

مقایسه گفتمانی توسعه در دولت های احمدی نژاد و روحانی

۱ سید قائم موسوی

۲ سید حجت الله موسوی

چکیده

این مقاله بر آن است تا رویکرد گفتمان احمدی نژاد و روحانی را به مقوله توسعه بررسی کند. بعد از انقلاب و مشخصاً با تثبیت اسلام سیاسی فقهاتی از تابستان ۱۳۶۰ تاکنون ۵ گفتمان در ساحت سیاسی ایران حکمرانی کرده اند. پژوهش حاضر به دنبال شناخت گفتمان اعتدال و همچنین الگوی ارائه شده این گفتمان پیرامون توسعه ایران در قالب تئوری لاکلائو و موفه است. در این گفتمان ها، دال توسعه، مدلول های متنوعی داشت. سوال اصلی مقاله این است که معنا و برداشت از توسعه در گفتمان های اصول گرایی و اعتدال گرایی چیست؟ گفتمان اصول گرایی به عنوان ضدگفتمان اصلاحات، توسعه را باز توزیع منابع می دانست و نشانه هایش را حول دال مرکزی عدالت مفصل بندی کرده است. این گفتمان نه تنها از به کارگیری مفهوم توسعه پرهیز می کرد بلکه به جای آن از مفاهیم پیشرفت و تعالی استفاده می کرد. با تحلیل محتوای سخنان و عملکرد این گفتمان، توسعه جهت و رویکردی درونزا داشت. در مقابل گفتمان اعتدال نشانه هایش را حول دال مرکزی توسعه گرایی مفصل بندی کرد و با در پیش گرفتن تعامل با غرب و عملیاتی کردن پروسه سیاست خارجی خوب، در تلاش بود با حذف تحریم ها و جذب سرمایه گذاری خارجی راه ثبات و توسعه را در داخل هموار کند. بنابراین در این گفتمان توسعه رویکردی برونزا دارد. در مجموع رهیافت توسعه ای هر دو گفتمان از جامعیت و شمولیت توسعه پایدار و همه جانبه برخوردار نبود. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و داده ها با استفاده از فیش برداری کتابخانه ای جمع آوری شده اند.

واژگان کلیدی: گفتمان، مفصل بندی، توسعه، اعتدال، اصول گرایی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی/ مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، نویسنده مسئول،
ghaemmousavi745@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد جامعه شناسی، mosavi108@gmail.com

مقدمه

نگاه اجمالی به مباحث نظری اندیشمندان و سیاست‌های عملی دولت‌مردان در ایران پیرامون توسعه از یک سو و سیاست‌های عملیاتی در راستای توسعه یافتگی از دیگر سو نشان می‌دهد از انقلاب مشروطه به بعد، این حوزه همواره مورد توجه و اهتمام ایرانیان بوده است. پرسش از چرایی عقب ماندگی و علل توسعه نیافته بودن کشور ایران را شاید بتوان مهمترین پرسش متفکران تاریخ معاصر کشور دانست. اما پاسخ‌هایی که از سوی متفکران به این پرسش داده شده اغلب معطوف به یکی از جنبه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... بوده است. در حالی که فهم چرایی عقب ماندگی ایران نیازمند یک بررسی همه‌جانبه است. از نقطه نظر برنامه‌ریزی‌های عملی نیز ۵ برنامه توسعه قبل از انقلاب و ۴ برنامه توسعه در جمهوری اسلامی تدوین و پیاده شده است. علیرغم این سابقه طولانی و اقدامات گسترده نظری و عملی و با نگاهی به شاخص های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، جامعه ایران کماکان با پارامترهای توسعه یافتگی ایده ال فاصله زیادی دارد و جز بلوک کشورهای در حال توسعه تلقی می‌شود. قبل از انقلاب، توسعه به معنای مدرن شدن تلقی می‌شد و مدرنیزاسیون نیز معادل غربی شدن برآورد می‌شد. بعد از انقلاب اسلامی چهار رویکرد اقتصادی در ایران مطرح شد که هر کدام از آن‌ها دارای چارچوب نظری، پایگاه و رسانه و همچنین نظریه‌پردازان، هستند که عبارتند از: رویکرد اقتصاد بازار آزاد، اقتصاد اسلامی، اقتصادی چپ نو و نهادگرایان.

هدف این مقاله بررسی گفتمانی مفهوم توسعه در گفتمان های اصولگرایی (۱۳۸۴-۱۳۹۲) و اعتدال (۱۳۹۲- تاکنون) و آسیب شناسی نقاط قوت و ضعف آنهاست. به زعم نگارنده، مانع اساسی روند توسعه یافتگی همه جانبه و پایدار کشور، از یک سو فقدان یک تعریف جامع و مانع از توسعه که مورد اجماع حداقلی نخبگان و تصمیم گیرندگان باشد و از سوی دیگر اینکه دال توسعه در هر گفتمان مدلولی خطی، یکجانبه و یکسوپندارانه داشته است و در تضاد با گفتمان‌های قبل از خود، بوده است. اینگونه که هر گفتمان بدون توجه به شمولیت و جامعیت مفهوم توسعه صرفاً با نگاهی سیاست زده یک بعد از ابعاد توسعه را برجسته کرده و بدون توجه به سایر ابعاد آن، دنبال توسعه ایده آل خود بوده است. امری که با توجه به فقدان جامعیت و همه جانبه نگری باعث هدر رفت منابع در یک جهت و دوری از توسعه پایدار و روال مند بوده است.

بر مبنای تئوری گفتمان لاکلائو و موفه، انقلاب اسلامی تحولی ساختاری در سیاست داخلی و خارجی ایران به وجود آورد. تاکنون خرده گفتمان‌های مختلفی بر جمهوری اسلامی ایران حاکم شده اند و با حاکمیت هر یک از آنها، رفتار و راهبرد ایران در زمینه توسعه ایران نیز دستخوش تغییر شد و الگوی خاصی مطابق با آن گفتمان در عرصه توسعه اقتصادی ظهور کرده است (رضایی جعفری، ۱۳۹۵: ۹۶).

تحلیل گفتمان

اصطلاح تحلیل گفتمان، نخستین بار در زبان شناسی و توسط زلیک هریس به کار رفت. گفتمان از جنبه هستی شناختی معتقد به حقایق ثابت بیرونی نیست و تنها با گفتمان است که این حقایق بازنمایی می‌شوند. جهان بیرونی و اجتماعی محصول گفتمان هاست. از زاویه معرفت شناختی نیز مانند خیل عظیم مفاهیم اجتماعی شفافیت ندارد چرا که اصطلاحات اجتماعی مفاهیم ثابت و سر بسته ای نیستند و تابعی از نظام زبانی و اداری-ذهنی جامعه هستند. اساساً انگاره گفتمان جایگزین مفاهیمی مانند ایدئولوژی در مارکسیسم و زبان در نظریه پسا مدرنیسم شده است. البته گفتمان دارای نوعی ارتباط دیالکتیک با واقعیت هم هست از این منظر که گفتمان بر مبنای خواست‌ها و مطالبات اجتماعی و سیاسی جامعه و همچنین کاستی‌هایی که گفتمان هژمون به آن مبتلا شده است، نظام معنایی خود را حول یک دال مرکزی با مجموعه ای از دال‌های شناور مفصل‌بندی می‌کند و خود را به عنوان آلترناتیو توانمندی برای فائق آمدن بر مشکلات جامعه در دسترس قرار می‌دهد. گفتمان‌ها دارای خصوصیات سیاسی هستند و هویت خود را در یک تقابل گفتمانی تعریف می‌کنند و هر وقت توانستند نظام معنایی مطلوب خود را تثبیت نمایند، به گفتمان هژمون تبدیل می‌شوند. مادامی که بتوانند هویت ارتباطی، پویا و فعال خود را حفظ کند، هژمونیک خواهد ماند و هرگاه نشاط خود را از دست دهد، متصلب شده و به واسطه عدم انطباق با زمینه‌های اجتماعی‌اش، دوران افولش آغاز می‌شود. در مقابل اگر توانایی فائق آمدن بر مشکلات را داشته باشد با اقبال عمومی مواجه شده و هژمونیک می‌شود. هژمونیک شدن یک گفتمان به معنای برجسته‌سازی نظام معنایی خود و طرد و حذف نظام‌های معنایی گفتمان‌های رقیب است.

انواع تحلیل گفتمان

۱. تحلیل گفتمان ساختگرا: برای اولین بار در سال ۱۹۵۲ توسط زلیک هریس مطرح شد و واحدهای بزرگتر از جمله را در کانون توجهش قرار داد. ساختار جمله فارغ از بستر و شرایط زمانی-مکانی و خارجی متن محور تحلیل می‌باشد.
۲. تحلیل گفتمان نقش‌گرا یا کارکردی: با اضافه شدن مفهوم بافت در دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی توسط برخی زبان شناسان واحد تحلیل گفتمان فراتر از جمله قرار گرفت با این وجود این تحلیل نیز دامنه و بُرد محدودی داشت.
۳. تحلیل گفتمان انتقادی: بر مبنای کاستی تحلیل نقشگرا نوع سومی از تحلیل گفتمان که بر نقش قدرت و ایدئولوژی به عنوان مکانیزم فرامتنی تأکید می‌ورزید، وارد عرصه‌های تحلیل گفتمان شد. این نگرش در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی در جهان غالب بود. با این وجود همچنان تحلیل گفتمان انتقادی منحصر به حوزه‌های زبان شناسی بود، تا اینکه لاکلاو و موفه آن را به حوزه سیاست و اجتماع کشاندند و ابزار توانمندی برای تحلیل‌های اجتماعی خود قرار دادند. کاستی‌ها و ناکامی‌های

فزاینده معرفت‌شناسی پوزیتویستی، نظریه‌های پساساختارگرایی و پسامدرنیسم در دهه های ۶۰ و ۷۰ در توسعه نظریه تحلیل گفتمان نقش اساسی ایفا کردند.

لاکلاو و موفه که نظریه معنایی خود را از سنت زبان‌شناسی ساختارگرایی فردینان دو سوسور اخذ می‌کنند، "هر مجموعه‌ای از اعمال و اشیا و... وقتی معنا پیدا می‌کنند که درون یک گفتمان در کنار یکدیگر به هویتی خاص دست یابند که این هویت را در برابر مجموعه‌ای از دیگری‌ها به دست می‌آورند" (سالار کسرای و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۹۶)

نظریه گفتمان لاکلاو و موفه نظریه‌ای منسجم است که ابزارهای تحلیلی مناسبی برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی-سیاسی در سطح کلان در اختیار ما قرار می‌دهد. این نظریه به دلیل تأکید بر مسائلی همچون هویت به عنوان یک مدل مطلوب سیاست فرهنگی برای جامعه‌شناسی جدید شناخته شده است. (نش، ۱۳۸۴: ۴۷).

نظریه گفتمان لاکلاو و موفه به عنوان مهم‌ترین نظریه گفتمان در حوزه علوم سیاسی از کارایی بالایی برای تبیین چگونگی ظهور، استمرار و افول گفتمان‌ها و بررسی تعامل میان آن‌ها برخوردار است و ابزارهای تحلیلی کارآمدی برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی و سیاسی در سطح کلان در اختیار قرار می‌دهد (قریشی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۴) آن‌ها در توضیح نظریه شان از دو دسته مفاهیم نظریه‌ی معنایی و مفاهیم اساسی توصیفی-تحلیلی گفتمان استفاده می‌کنند. مفاهیم نظریه معنایی عبارتند از:

مفصل‌بندی: تلفیقی از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه‌ی جدید، هویتی تازه می‌یابند.
 دال مرکزی: دالی که سایر دال‌ها در اطراف آن جمع می‌شوند و نقطه ثقل همه دال‌ها و انسجام بخش آنهاست (Laclau and Mouffe, 1985: 112).

دال شناور: دالی که مدلول‌های متعدد، شناور و غیرثابت دارد و گفتمان‌ها بر اساس نظام معنایی خود و متناسب با آن سعی دارند، مدلول‌های خویش را به آن الحاق کنند و مدلول‌های رقیب را به حاشیه برانند.

دال خالی: از یکسو بازنمایی وضعیت مطلوبی است که گفتمان‌ها سعی در ارائه آن در بهترین وجه ممکن خویش دارند، از سوی دیگر، این وضعیت بیانگر قصور گفتمان حاکم در تأمین آن است. عناصر، وقته‌ها یا لحظه‌ها: دال‌هایی هستند که در درون یک گفتمان و حول دال مرکزی به طور موقت و نسبی تثبیت شده‌اند (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

حوزه گفتمان‌گونگی: دال‌هایی که بیرون از محیط گفتمانی قرار دارند و می‌توانند به عنوان مواد خامی برای مفصل‌بندی‌های جدید به کار روند.

انسداد: وقتی که یک عنصر از حالت شناور خارج و به وقفه تبدیل می‌شود، انسداد یا توقف که همان تثبیت معنای نشانه‌ها است، رخ می‌دهد.

زنجیره هم ارزی و تفاوت: گفتمان‌ها از طریق زنجیره هم ارزی، تفاوت‌های موجود در میان عناصر را از بین می‌برند و به نوعی وحدت میان آن‌ها کمک می‌کنند. در مقابل از طریق تأکید بر تفاوت‌ها، می‌توانند زنجیره هم ارزی را در هم بریزد و نوع جدیدی از مفصل‌بندی ایجاد کنند.

هژمونی: اگر افکار عمومی، معنایی را برای دال‌های یک گفتمان هر چند موقت بپذیرند؛ در آن صورت آن گفتمان هژمونیک می‌شود (laclau and mouffe, 1985:7).

ساختار شکنی: برگرفته از دریدا و نقطه‌ی مقابل انسداد است و بر این امر تأکید دارد که برای از بین بردن هژمونی یک گفتمان باید ثبات معنایی آن را از بین برد تا زمینه‌ی تغییر وقته به دال شناور فراهم آید (سالار کسرایی، پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۸۹).

گفتمان به زبان ساده یعنی "شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن" (صالحی زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

تحلیل گفتمان به لحاظ روش در زمره تحلیل‌های کیفی قرار می‌گیرد و به طور کلی به مطالعاتی اطلاق می‌شود که زبان نوشتاری، گفتاری یا هر گونه پدیده نشانه شناختی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۶۱).

گفتمان احمدی‌نژاد (اصولگرایی)

احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری، نامزد آن بخش از آبادگرانی بود که در شورای شهر تهران حضور داشتند و او را به عنوان شهردار انتخاب کرده بودند. اصولگرایان نتوانستند به اجماع برسند و نهایتاً با چهار نامزد در انتخابات حاضر شدند که احمدی‌نژاد یکی از آن‌ها بود. احمدی‌نژاد قبل از آن در مقام شهردار تهران ارتباط مناسبی با مساجد و هیئت‌های مذهبی برقرار کرد به آن‌ها کمک مالی می‌کرد، به جوانان وام ازدواج اعطا می‌کرد و سعی می‌کرد خود را به عنوان چهره‌ای خادم و کارآمد نشان دهد.

دولت اسلامی، تغییر نگاه مدیریت کشور به بیت المال، ساده زیستی و صداقت مسئولین، مقابله با فساد و تبعیض، عدالت محوری، بازگشت دولت به مردم، تأکید بر اقتصادی اسلامی، انتقاد از نظام بانکی، تمرکززدایی، مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی، حمله به توسعه سیاسی از عمده محورهای مضمین تبلیغاتی احمدی‌نژاد بودند. (تاجیک و روزخوش، ۱۳۸۷: ۱۰۹)

در میان نامزدها او بیشتر از همه بر «ولایت فقیه» تأکید می‌کرد و تهاجم فرهنگی را جدی‌تر می‌گرفت و بر مفهوم مردم تأکید می‌کرد. به مفاهیمی مانند توسعه سیاسی، توسعه وارداتی و دموکراسی غربی حمله می‌کرد و برای بی اعتباری دال «توسعه سیاسی» در گفتمان اصلاحات از دال «رشد سیاسی» استفاده می‌کرد.

دال «توسعه اقتصادی اسلامی» را در واکنش به دال «توسعه اقتصادی» در گفتمان خاتمی مطرح می‌کرد. مکرراً عملکرد ۱۶ سال قبل از خود را مورد انتقاد قرار می‌داد. «احمدی‌نژاد برای حل مشکلات کشور راه حل‌های ساده اما قاطعانه پیشنهاد می‌کرد» (تاجیک و روزخوش، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

پدیده انتخابات، احمدی‌نژاد بود که با هاشمی به دور دوم رفت. احمدی‌نژاد صحبت از ورود به منطقه ممنوعه قدرت می‌کرد و در دور دوم زنجیره هم ارزی تشکیل داد که براساس یک «دیگری» تعریف می‌شد؛ یعنی هاشمی رفسنجانی. احمدی‌نژاد خود را منتقد وضع موجود و هاشمی را نماد وضع فعلی با تمام نقایص و کمبودهایش جلوه می‌داد. استفاده بهینه از مفهوم قابلیت دسترسی و اینکه احمدی-نژاد توانست خود را به عنوان جایگزین گفتمان هژمونیک نشان دهد منجر به در دسترس قرار گرفتن آن شد و گزینه متفاوتی تلقی می‌شد. «احمدی‌نژاد با بهره بردن از یک گفتمان منسجم و با دیگرسازی شدید با گفتمان اصلاح‌طلبی، توجه پایگاه اجتماعی اصول‌گرایان و نهاد های اصلی آنان را به خود جلب کرد و در دور دوم نیز با قابلیت دسترسی بالاتری به پیروزی رسید» (تاجیک و روزخوش، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

گفتمان سیاسی دولت نهم با دغدغه های فرهنگی و مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی کار خود را آغاز نمود. در این میان عدالت گستری محوری ترین و ابتدایی ترین اصل این دولت تعریف می‌شد. (خواجه سروی، ۱۳۸۶: ۳۷)

"از ناحیه این برادر کوچک شما چهار محور به عنوان اصول کاری این دولت مطرح شد: عدالت گستری، مهرورزی، خدمت به بندگان خدا و پیشرفت و تعالی همگانی کشور" (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۳۴) عدالت گستری در برنامه هایی مانند توزیع سهام عدالت، هدفمندی یارانه ها نمود عملی پیدا کرده است.

از نظر احمدی‌نژاد عدالت "یعنی شرايطی فراهم بشود که هر کس در هر زمينه ای استعداد دارد بتواند آن را فعال بکند نه برای عده ای خاص. البته عدالت در توزیع مناسب و درست ثروت ها و بودجه های کشور هم هست" (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۳۸)

دولت احمدی‌نژاد از حیث اقتصادی و حداقل نسبت به دو دولت قبل از خود، دولتی مداخله گر شناخته می‌شود. سیاست های اقتصادی مانند توزیع سهام عدالت، مسکن مهر در ۴ سال اول و برخی دیگر مانند هدفمندی یارانه ناظر به حضور اقتصادی دولت در پیرامون و به سود پیرامون و به ضرر مرکز بودند (خاتمی و کلاته، ۱۳۹۳: ۲۲) اقدامات عدالتی احمدی‌نژاد در چهار حوزه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شرح صفحه بعد بودند:

عدالت اقتصادی

۱. توزیع سهام عدالت: این ساز و کار بازتوزیع و سهمیم کردن طبقات فرودست در سهام کارخانه های مشخص و تبدیل آنها به صاحبان سرمایه های هر چند محدود دیده شده بود. (قریشی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵۵)

۲. مسکن مهر: نسبت بهره مندی روستا نشینان از مسکن مهر تقریباً ۴ برابر جمعیت شهرنشین بوده است

۳. هدفمندی یارانه ها: از سال ۱۳۸۸ به شکل قانون درآمد و دولت را مکلف می ساخت که قیمت حامل های انرژی را اصلاح و تا ۵۰ درصد درآمدهای ناشی از این اصلاح قیمت ها را در قالب پرداخت های انتقالی مستقیم هزینه نماید. هدفمندی یارانه ها از حیث مکانی بیشتر به نفع مناطق روستایی تا شهری بوده است. (حاتمی و کلاته، ۱۳۹۳: ۱۸)

۴. تخصیص بودجه به نفع استان های محروم

۵. طرح تحول اقتصادی: در ۲۲ بهمن ۱۳۸۶ مطرح شد و در زمستان ۱۳۸۸ با تعدیلاتی از سوی مجلس تصویب شد. آن را "جراحی بزرگ در اقتصاد ایران" می نامیدند. احمدی نژاد می گفت: "برای اصلاحات چاره ای جز اجرای تحول اقتصادی نداریم. . . اینکه ۲۰ و ۳۰ سال سرمایه کشور به کار گرفته شود، اما فقط عده خاصی از ثمرات آن برخوردار شوند، درست نیست و باید طوری برنامه ریزی کرد تا همه اقشار و مردم بهره مند شوند. . . ۷۰ درصد یارانه به طور مستقیم توسط سه دهک برخوردار جامعه استفاده میشود و این موضوع یکی از علت های اصلاح نظام توزیع یارانه هاست. (روزنامه دنیای اقتصادی، ۱۳۸۷/۰۶/۲۳)

گفتمان عدالت محور با غیریت سازی خود با گفتمان های پیشین بر مبنای تعریف خاص از دال شناور عدالت اقدام به اجرای طرح تحول اقتصادی نمود. "مفهوم بازنمایی شده از عدالت در این گفتمان به معنای توزیع فرصت ها و امکانات به طور مساوی به همه افراد و همه مناطق کشور بوده، به گونه ای که همه جای کشور با هم و هماهنگ پیشرفت کند" (قریشی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۱)

با قرارگرفتن دال عدالت به عنوان نقطه کانونی گفتمان هژمون، همه نشانه ها و دال های دیگر در رابطه با آن تعریف شد. مدلول های داخلی این دال متعالی در مسکن مهر، سهام عدالت، هدفمندی یارانه ها، سفرهای استانی، ادغام شوراهای عالی، انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تغییر شیوه بودجه نویسی و تخصیص بودجه ظاهر شدند. (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۴۷)

عدالت دال مرکزی گفتمان احمدی نژاد بود اما برخلاف رویکردهای توزیعی و شبه سوسیالیستی اوایل انقلاب ترکیبی از رویکردهای پوپولیستی و نئوکلاسیک بوده است. وجه نئوکلاسیک این رویکرد را می توان در نوع اجرای هدفمندی یارانه ها و آزاد سازی قیمت ها دید. . . «این رویکرد تلفیقی، اگر

چه با توجیه ارزشی اجرای عدالت اجتماعی صورت می گرفت، اما ریشه در واقعیاتی چون نابسامانی وضعیت پرداخت یارانه ها، عدم شفافیت قیمت ها و اسراف در مصرف انرژی نیز داشت. یعنی هم برآمده از ارزش ها بود و هم ریشه در واقعیت ها داشت.» (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۵۱)

گفتمان جدید با ادبیات ایدئولوژیک و با شعار بازگشت به آرمان های اولیه و اصیل انقلاب و همچنین مطرح کردن گفتمان قبل از خود به عنوان گفتمان غیر و به گونه ای انحراف از ابرگفتمان انقلاب با برجسته سازی نقاط ضعف آن (حوزه گفتمان گونگی اش) خود را به صورت گفتمان در دسترس و هژمون قرار داد و با اقبال عمومی نیز مواجه شد. در حوزه اقتصادی شعارهای جذاب و عامه پسندی مانند آوردن نفت روی سفره ها و سیاست هایی مثل هدفمندی یارانه ها (پرداخت ۴۵ هزار تومان به ازاء هر ایرانی) سود سهام عدالت ارائه شده است. در حوزه سیاست خارجی نیز با سازشکار خواندن برنامه های گفتمان قبلی و دفاعی دانستن آن رویه ای تهاجمی و متقابلانه ای در پیش گرفت.

بنابراین از دهه هشتاد، شرایط به گونه ای رقم خورد که توزیع ناعادلانه منابع و منافع مورد توجه قرار گرفت. این بار چنین نگرشی حاکم شد که ساز و کارهای اقتصادی و توسعه سیاسی هیچ یک از فقر و طرد اجتماعی بخش عمده ای از جامعه ممانعت نکرده، در نتیجه انحصار اقتصادی و سیاسی بزرگی بوجود آمده است.

گفتمان توزیعی جدید، توزیع منابع و منافع را هدف اصلی خود قرار داد و معتقد بود تا منابع به درستی توزیع نشوند، توسعه و پیشرفتی هم رقم نخواهد خورد. توزیع منابع به مثابه عدالت بود و آن را مقدم بر هر گونه سیاست اقتصادی دیگری می دانست به گونه ای که با اجرای عدالت، توسعه نیز محقق می شد البته نه هر توسعه ای! «ما دنبال توسعه نیستیم، بلکه دنبال تعالی هستیم. امروز باید ایران را با سرعت بسازیم، آن هم بر پایه ارزش های انسانی. اقتصاد ما باید اقتصادی پاک و دلسوز باشد و اگر غیر از آن باشد، اقتصاد ما نیز همچون دیگر کشورها خواهد بود» (سخنرانی محمود احمدی نژاد، ۱۳۸۸/۰۲/۲۰). پایه انسانی قائل شدن برای ساختن ایران یعنی عبور از نحله های مختلف توسعه و حرکت به سمت تئوری هایی که ارزش های انسانی را در کانون توجه خودشان قرار میدهند.

«گفتمان جدید با تکیه بر سرمایه های هنگفت نفتی، دغدغه ای برای تولید ثروت ندارد بلکه این ثروت را که تاکنون عده ای خاص به آن دسترسی داشته اند، باید توزیع کند، زیرا انسان های نیازمند زیادی در گوشه و کنار جامعه هستند که لذت استفاده از این درآمدها را نچشیده اند» (نوذری و کریمی، ۱۳۹۱: ۶۴). «ما می خواهیم هم ثروت تولید کنیم و هم درست توزیع کنیم. ما می گوییم پیشرفت کشور همراه با عدالت امکان پذیر است. . . ما می گوییم عدالت یعنی توزیع ثروت» (سخنرانی محمود احمدی نژاد، ۱۳۸۴/۰۹/۱۳).

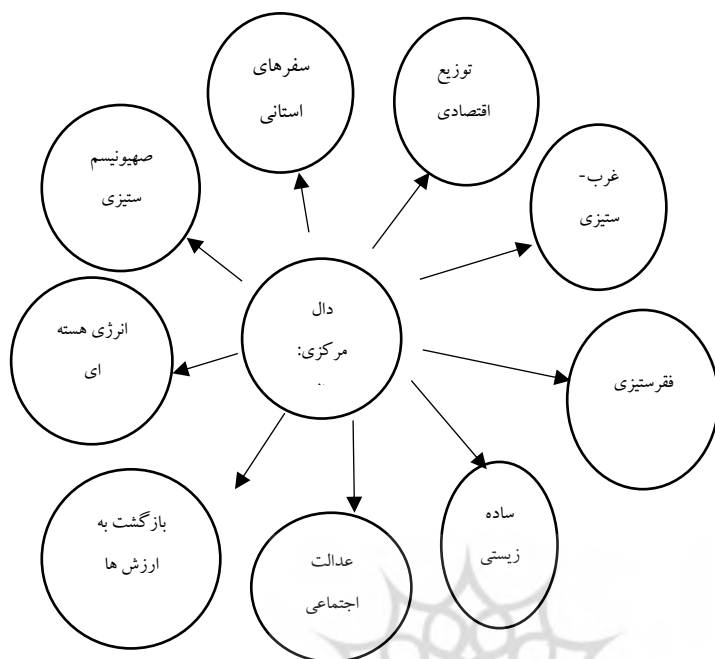
«بحث درباره عدالت (توزیع منابع و فرصت ها) به کلمات و سخنرانی ها محدود نشد و در فضای جامعه با یک استراتژی نولیبرالی به نام هدفمندی یارانه ها ادامه یافت. در دهه اول انقلاب، یارانه عدالت

تلقی می‌شد و شرایط جنگی نیز به انتخاب چنین راهبردی دامن میزد، اکنون همه یارانه‌ها نه تنها ناعادلانه تلقی می‌شوند، بلکه مانع بزرگی در راه توسعه هستند. گفتمان توزیع نولیبرالی، آزادسازی قیمت‌ها و سپس توزیع منابع حاصل از این آزادسازی‌ها را ریشه توسعه می‌دانست» (نوذری و کریمی، ۱۳۹۱: ۶۲).

گفتمان عدالت، با گزاره‌های گوناگون و دال‌های گفتمان‌های سازندگی و اصلاحات و در واکنش به آن‌ها معنا و مفهوم مورد نظر خود از توسعه را شکل داد. «احمدی‌نژاد به توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی که دال‌های مرکزی گفتمان اصلاحات و سازندگی هستند، حمله می‌کند و آن‌ها را توسعه وارداتی می‌داند. او مدعی است از آنجایی که مدل تئوریک دو گفتمان قبل را به زور به خورد مردم داده اند، به توسعه کشور منجر نشده است؛ بنابراین دو گفتمان دیگر مربوط به مردم و از بطن مردم نیست و با جمله "شما از ملت فاصله گرفته اید، شما ملت را خانواده و اطرافیان و هم‌حزبی‌هایتان می‌دانید" سعی در برجسته سازی عدم شمولیت توسعه گفتمان‌های غیر و شمولیت و عمومیت گفتمان عدالت دارد» (نوذری و کریمی، ۹۱: ۷۱).

گفتمان اصولگرایی یا نومحافظه کار در بهترین خوانش «برخاستن گفتمان دهه نخست جمهوری اسلامی از خاستگاه راست» بوده است (ایزدی و رضایی‌پناه: ۶۶). انگاره "عدالت اجتماعی" دال مرکزی این گفتمان را در مسئله اقتصاد تشکیل می‌داد. توجه بیش از حد به توزیع درآمدی و عدم توجه جدی به تولید نقطه ضعف اساسی این گفتمان گردید که باعث به زیر کشیدن آن توسط رقیبانش گردید. "محمود احمدی‌نژاد دولتش را در شرایط باثبات سیاسی و اقتصاد رو به رشد و اندوخته ۱۰ میلیارد دلاری در صندوق ذخیره ارزی از دولت اصلاحات تحویل گرفت. بر اساس آمارها، درآمد نفتی دولت اصلاحات در ۸ سال ۲۱۱/۳ میلیارد دلار بود که متوسط سالانه آن ۲۶/۴۱ میلیارد دلار است. همچنین رشد اقتصادی دولت اصلاحات از ۰/۸ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۶/۳ درصد در سال ۱۳۸۴ رسیده بود. (سایت برترین‌ها)

احمدی‌نژاد در دولت‌های نهم و دهم در مجموع ۵۸۹ میلیارد دلار درآمد نفتی داشت که متوسط سالانه ۸۴/۲ میلیارد دلار است. دولت اصلاحات با درآمد ۲۱۱/۳ میلیارد دلار نفتی و تورم سال پایانی (۱۳۸۴) ۱۰/۴ درصدی دولت را تحویل احمدی‌نژاد داد. احمدی‌نژاد با درآمد ۵۸۹ میلیارد دلاری و تورم سال پایانی (۱۳۹۲) ۳۵/۹ درصدی دولت را به روحانی سپرد. فرشاد مومنی معتقد است دولت کنونی روی دیگر سکه دولت احمدی‌نژاد است که با شعارهای عدالت محورانه در عمل نتیجه ای جز فلاکت نداشت و تفاوت آن دو را در کانون‌های اصابت رانته می‌داند. (خبرگزاری ایسنا)



شکل گفتمانی
اصولگرایی

گفتمان دولت تدبیر و امید

روحانی در ۲۵ خرداد ۱۳۹۲ به عنوان هفتمین رئیس جمهور ایران برگزیده شد. با این پیروزی گفتمانی جدید تحت عنوان گفتمان اعتدال و توسعه در عرصه سیاست ایران به منظور ارتقای منزلت و توسعه ایران شکل گرفت که برای توسعه کشور، فضای گفتمانی توسعه گرایان لیبرال را مد نظر قرار داد. «نوسازی نئولیبرالی» دال مرکزی این گفتمان است. دال های شناور این گفتمان عبارتند از: خصوصی سازی، اقتصاد نوکینزی، خردگرایی و عقلانیت، آزادی، "تعامل سازنده"، "حمایت از سرمایه گذارپهای بین المللی"، "اعتدال و میانه روی"، "سیاست خارجی توسعه گرا"، و "دولت حداقلی". در این پژوهش ابتدا دال مرکزی و سپس دال های شناور و مجموعه اقدامات گفتمان اعتدال و توسعه برای عملیاتی شدن الگوی موردنظر، بررسی خواهند شد.

سیاست اقتصاد نئولیبرالی: "به نظر میرسد که نظریه های مکاتب نهادگرایان و کینزی های جدید با الگوی مطلوب توسعه در جمهوری اسلامی ایران قرابت بیشتری داشته باشد." (روحانی، ۱۳۸۹: ۷۸۲) از نظر روحانی دولت باید ناظر و سیاست گذار باشد و از اقتصاد دستوری بپرهیزد و مجال بدهد فعالان اقتصادی امور تصدی گری اقتصاد را در دست بگیرند.

اقتصاد برون زا:

روحانی در سال ۱۳۸۳ در مقدمه کتاب "چین نو" با اشاره به روش برونزایی با رویکرد دنگ شیائوپینگ معتقد است که چون جهان یک کل به هم پیوسته و به هم وابسته است لذا باید برای تولید ثروت، درهای کشور را به دارندگان ثروت جهانی گشود تا بتوان اقتصاد را به سامان کرد (قریشی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۵)

روحانی در همایش چشم انداز سیاست خارجی توسعه گرا در اسفند ۸۶ به برونزایی تأکید و درونگرایی را حاوی "انزوا" یا "جنگ مداوم" تعبیر می کند. اولویت دولت روحانی در حل مسایل اقتصادی و نیز توسعه گرای، "روابط خارجی" است و در مسئله روابط خارجی، تغییر در روابط خارجی ایران به خصوص با کشورهایی است که غربی و توسعه یافته تلقی می شوند. (فردا نیوز، ۱۳۹۲/۷/۷)

کلید بیرون آمدن از تحریم و انزوا حل و فصل مسئله هسته ای بود. یکی از دال های گفتمان احمدی نژاد که باعث اقبال افکار عمومی نسبت به آن شد، هدفمندی یارانه بود. روحانی در این مورد ابتدا سعی کرد مردم را به انصراف داوطلبانه تشویق نماید، اما با عدم استقبال عامه مردم به سمت حذف تدریجی دهک های بالای جامعه اقدام نمود تا دست آخر پرداخت یارانه ها صرفاً شامل دهک های پایین باشد.

از موضوع سهام عدالت نیز استقبالی نشد تا اسفند ۱۳۹۵ که رونمایی از آن نیز باعث نقد دولت به عنوان اقدامی انتخاباتی تعبیر شد. پروژه مسکن مهر دنبال شد اما با تغییر منابع مالی. در دوره احمدی نژاد در تامین منابع مالی این پروژه از بانک مرکزی استقراض مستقیم می شد و گفتمان تدبیر امید آن را باعث افزایش نقدینگی و به دنبال آن تورم بالا می دانست.

برنامه های دولت روحانی در جهت عدالت اقتصادی:

- اجرای طرح حمایت غذایی از گروه های کم درآمد (۱۳۹۳)

- درآمدهای مالیاتی

- برخورد با حقوق های نجومی

- توافقنامه گروه ویژه اقدام مالی (پول شویی)

- عدالت فرهنگی - اجتماعی

- تدوین منشور حقوق شهروندی ۹۵/۰۹/۲۹ (پایگاه اطلاع رسانی دولت)

حقوق شهروندی (قومیتی): در راستای اجرایی کردن اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی آموزش رشته زبان و ادبیات کردی در سال ۹۴ و پذیرش در رشته ادبیات و ترکی آذری در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ انجام

پذیرفت (روزنامه ایران ۹۵/۰۵/۲۴) - رتبه بندی معلمان در سال ۹۴ هر چند به صورت ناقص - خدمات بهداشتی (طرح بیمه سلامت همگانی سال ۹۳) خدمات فرهنگی و هنری بازگشایی خانه سینما و صدور آسان تر مجوز کتاب (پایگاه اطلاع رسانی دولت ۹۳/۱۲/۰۲) کاهش فیلترینگ و محدودیت دسترسی به سایت های اینترنتی به استفاده از شبکه های اجتماعی و تصویب قانون برای حمایت از فعالان رسانه های دیجیتال

اعطای مجوز به موسیقی رپ

موضوع بورسیه های غیرقانونی در وزارت علوم که به عزل وزیر منجر شد. گفتمان دولت روحانی در غیریت سازی با گفتمان احمدی نژاد که دال مرکزی اش عدالت بود و آن را بر توزیع فرصت ها و امکانات به طور مساوی به همه افراد به همه مناطق کشور استوار بود شکل گرفت.

"گفتمان دولت روحانی بر تعریف نئولیبرالی خصوصاً با رویکرد نهادگرایانه و نئوکینزی از دال شناور عدالت استوار است. به این معنا که کار دولت را نه اجرای پروژه ها و یا تقسیم اعتبارات و یا خصوصی سازی بلکه آماده ساختن و بهبود بخشیدن محیط کسب و کار و تقویت ساختار رقابتی برای رونق تولید در بخش صنعت، کشاورزی و خدمات میداند این گفتمان به ساختار شکنی از وجوه پوپولیستی طرح تحول دولت قبلی پرداخت." (قریشی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷۲)

دولت روحانی با برجسته کردن پرونده های بورسیه های غیرقانونی، گم شدن پرونده های پولی یا اختلاس های کلان پولی و بانکی در تلاش بود تا هژمونی خود را استمرار دهد. جناح رقیب نیز با برجسته کردن نشانه هایی مانند حقوق های نجومی به مقابله برخاست. علی رغم اقدامات روحانی در برکناری متخلفان و . . . نوعی بی اعتمادی نسبت به دولت ایجاد شد و ضربه ای به هژمونی آن وارد شد. دولت روحانی همچون دو دولت سازندگی و اصلاحات، گفتمانی مبتنی بر دولتی توسعه گراست و اولویت امور اقتصادی برجسته است. (قریشی و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۷۲)

تعریف این گفتمان از توسعه گرایی نزدیک به مکتب نوسازی می باشد و بر همین اساس تلاش می کند توسعه اقتصادی را با بهبود فضای سیاست خارجی و خصوصاً تعامل با دنیای غرب میسر سازد. بنابراین یکی از نشانه های اصلی گفتمان دولت تدبیر و امید، اقتصاد برون زا می باشد.

"اولویت دولت روحانی در حل مسایل اقتصادی و نیز توسعه گرایی، تعامل با کشورها خصوصاً کشورهای غربی و توسعه یافته را که دال خالی گفتمان دولت قبلی محسوب می شد، به یک هفته تبدیل نمود و در مفصل بندی گفتمان خود قرار داد. بر همین اساس دولت روحانی، رشد و توسعه اقتصادی و گشایش در آن را منوط به حل مهم ترین مشکل سیاست خارجی یعنی پرونده هسته ای و رفع تحریم ها می دانست. بنابراین قبل از هر اقدام و برنامه ای، توافق هسته ای (برجام) را در صدر برنامه های خود قرار داد. این عنصر گفتمانی دقیقاً در ضدیت با سیاست خارجی دولت احمدی نژاد قرار داشت که مبنی بر تقابل با دنیای غرب بود. (قریشی و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۷۳)

گفتمان های عدالت و تدبیر امید دو قرائت متفاوت از فراگفتمان جمهوری اسلامی ایران به شمار می آیند. گفتمان احمدی نژاد عدالت را به مثابه حمایت از توده فرودست تعریف می کرد و آن را به عنوان دال مرکزی در مقابل فرادستان قرار می داد. با دو انگاره های حاشیه در برابر متن، روستایی در مقابل شهر، پیرامون در برابر مرکز و . . . در تلاش برای جلب توجه و رضایت توده مردم بوده است. از یک سو قائل به اعمال تفکیک جنسیتی در دانشگاه ها بوده و از طرف دیگر از حضور زنان در استادیوم حمایت می کرد. در گفتمان روحانی عدالت به مثابه اعتدال و توسعه است. توسعه مورد نظر این گفتمان بیشتر چهره اقتصادی دارد. این گفتمان برای نیل به توسعه براساس تئوری مدرنیزاسیون معتقد است کشور باید با کشورهای توسعه یافته خصوصا کشورهای غربی، تعامل و همگرایی داشته باشد. کلید این ارتباط حل و فصل برنامه هسته ای در قالب برجام بوده است آن ها نتایج برجام را برچیدن بساط تحریم های فلج کننده از یک سو و فراهم شدن روط بین المللی در عرصه بانکی و نفتی از سوی دیگر برآورد میکردند.

دولت روحانی سیاست های نئولیبرالی را دنبال کرده و نگاه آن به عدالت برخلاف دولت احمدی نژاد که غایت گرایانه بوده، ابزارگرایانه بوده است و «غایت اصلی را نه عدالت مساوات گرایانه بلکه عدالت استحقاقی می داند» (قریشی و دیگران، ۹۶: ۱۷۵) در این سیاست فرودستان ناخواسته بار تحمل توسعه را به دوش می کشند و ناراضی می شوند و در عوض از قشر نخبه به ویژه نخبگان اقتصادی استقبال می شود.

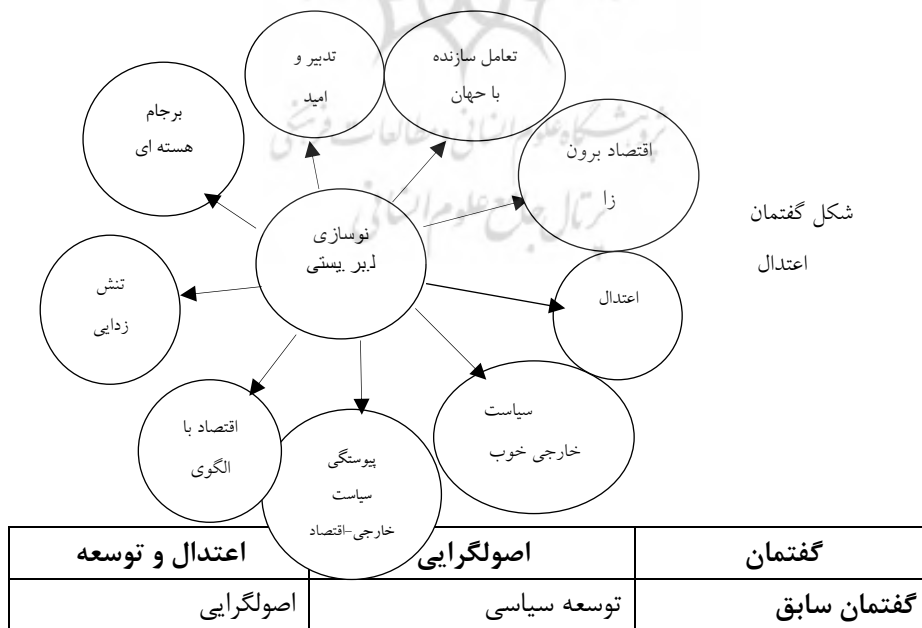
در مقابل گروهی مانند کارگزاران در بیانیه ای لیبرال بودن دولت که از سوی برخی جریانات سیاسی یا اقتصادی به دولت نسبت داده می شود را رد می کند و می نویسد دولت فاقد استراتژی اقتصادی روشنی است. در این بیانیه آمده:

" عملکرد دولت در پنج سال گذشته نسبتی با مولفه های اندیشه اقتصادی ندارد. از سوی دیگر به جز اقتصاددانان آزادیخواه، طرفداران نهادگرایی هم دل خوشی از دولت ندارند و مسئولیت سیاست های ان را بر عهده نمی گیرند و طیف سوم که به مدافعان اقتصاد اسلامی مشهورند نیز در زمره منتقدان دولت قرار دارند. دولت روحانی نه به لوازم "اقتصاد آزاد" پایبند است و نه از نسخه های "اقتصاد ارشادی" پیروی می کند و در یک کلام دولتی سرگشته در میان مکاتب و اندیشه های اقتصادی است". (سایت مشرق نیوز: ۱۳۹۷/۶/۹)

برجام و لغو تحریم های بین المللی

گفتمان اعتدال اهداف اصلی سیاست خارجی خود را رفع تحریم ها و بازگرداندن تعاملات اقتصادی با جهان غرب در مسیر سازنده قرار داد. در این راستا خنثی سازی اهرم های آمریکا و متحدانش در مدیریت روابط اقتصادی کشورها و نهادهای چندجانبه با ایران اهمیت زیادی داشت. به همین دلیل در چارچوب سیاست های راهبردی دولت یازدهم برای شکستن اجماع بین المللی علیه ایران، مذاکره مستقیم با آمریکا نیز در کنار گفتگوهای جدی و هدفمند با ۱+۵ در دستور کار قرار گرفت. این گفتگوها در گام اول به توافق موقت هسته ای سال ۱۳۹۲ و در نهایت توافق وین بر سر برجام در ۲۴ تیر ۱۳۹۴ منجر گردید و دستاوردهای این تفاهم، متضمن به رسمیت شناختن حق غنی سازی ایران در خاک خود، حفظ دستاوردهای هسته ای، رفع تحریم های مرتبط با فناوری هسته ای و آغاز دوران جدیدی از همکاری و تعامل سازنده ایران با جهان می باشد (فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۳۸)

در راستای عملیاتی کردن ایده توسعه ای خود، برجام جایگاه مهمی داشته است. به زعم آن ها برجام دریچه ای به عادی سازی سیاست خارجی، ارتقا جایگاه بین المللی ایران، رفع تحریم ها و گشایش در اقتصاد داخلی، جلب سرمایه گذاری خارجی، تثبیت سیاست های داخلی و از همه مهم تر پایانی بر مناقشه طولانی مدت هسته ای می پنداشتند. . . دولت روحانی با اتکا به برجام در مقابل منتقدان داخلی دست بالا داشت ولی خروج آمریکا از برجام را در دو راهی ماندن و خروج از آن در حالتی آچمز قرار داده است. برگشت تحریم ها و رجزخوانی های مجدد آمریکا برجام را از دال قوی و موثر در مفصل بندی گفتمان آن به دالی تضعیف کننده و عامل سقوط هژمونی آن تبدیل کرده است.



دال مرکزی	عدالت	نوسازی لیبرالی
سیاست خارجی	نگاه به شرق	نگاه به غرب
توسعه	عدالت به مثابه توزیع	عدالت به مثابه اعتدال
برنامه هسته ای	چالشی و عدم مصالحه	تعامل و مذاکره (برجام)
هدفمندی یارانه ها	طرح و اعمال	تعدیل و حذف یارانه بگیران
جهت توسعه	درونزا	برونزا
تورم و ثبات اقتصادی	نیمه دوم اختلال قیمت ها و بحران ارزی	نیمه دوم اختلال قیمت ها و بحران ارزی
نقدینگی	افزایش حجم نقدینگی	افزایش حجم نقدینگی
تحریم ها	کاغذ پاره	تاثیرگذار
مسکن	مسکن مهر	ادامه مسکن مهر با تغییر منابع
درآمد نفت	بالاترین رقم بعد از انقلاب	نوسان و تحریم شدید

نتیجه

گفتمان اصولگرایی احمدی نژاد به عنوان گفتمان غیر توسعه سیاسی بر مبنای آشوب ها و بی قراری های آن با مفصل بندی نشانه های خود حول دال مرکزی عدالت و ایجاد دو قطبی حامیان وضع موجود (هاشمی) و تغییر با دسترس قرار دادن خود و اقلان افکار عمومی و همچنین برجسته سازی عناصر شناور و سرگردان حوزه گفتمان گونگی دولت با مکانیزم انتخابات به گفتمان حاکم تبدیل شد. دولت احمدی نژاد راه نیل به توسعه اقتصادی را استراتژی قدرتمند نمودن طبقه فرودستان با مکانیزم عدالت توزیعی می دید و برنامه هایی مانند سهام عدالت و هدفمندی یارانه ها در همین راستا عملیاتی شدند. در سیاست خارجی هم نگاه به شرق داشت. دال مرکزی این گفتمان مفهوم عدالت خواهی و عدالت محوری بود. در پیرامون این مفهوم نشانه های متعددی شکل گرفت نشانه هایی مانند ساده زیستی و پرهیز از تجمل گرایی، خدمت گذاری، فقر ستیزی، توزیع درآمدها، عدالت اجتماعی، مبارزه با مفساد اجتماعی، مبارزه با اشرافیت، سفرهای استانی، بازبینی در ارزش های انقلاب، بازبینی در رابطه با غرب، غرب ستیزی و استکبار ستیزی، بومی گرایی و جلوگیری از تکثرگرایی از جمله نشانه ها و اصولی هستند که این گفتمان نظام معنایی خود را پیرامون آن ها مفصل بندی کرد. روحانی به سیاست اقتصادی به عنوان حربه ای برای توانمند نمودن ساختارها و بنیان های اقتصادی که در نهایت باعث افزایش کار و توانمند ساختن طبقات فرودست می انجامید، می نگریست. در سیاست خارجی نیز نگاه به غرب داشت. عقبه تئوریک توسعه در گفتمان اعتدال به کارهای پژوهشی

روحانی و همفکرانش در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، حزب اعتدال و توسعه و حلقه نیوران بر می گردد. کتاب «امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران» منشور و مانیفست گفتمان توسعه ای روحانی است. کانون و دغدغه اساسی دولت روحانی توسعه گرایی است.



منابع

- امینی، پرویز (۱۳۹۲/۷/۷)، مبانی نظری دولت یازدهم، فردا نیوز، <https://www.fardanews.com/fa/news/290567> مبانی-نظری- دولت- یازدهم.
- ایزدی، رجب، رضایی پناه امیر(۱۳۹۲)، مبانی اجتماعی و اقتصادی تحول در گفتمان های سیاسی مسلط در جمهوری اسلامی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، سال چهارم، شماره ۱۰.
- تاجیک، محمدرضا، روزخوش، محمد(۱۳۸۷)، بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه رازی)، دوره ۱۶، شماره ۹۱، ۱۲۶-۸۳.
- حاتمی، عباس و فرزاد کلاته(۱۳۹۳). دولت در پیرامون و پیرامون در دولت؛ سندروم های درهم تنیدگی اقتصاد، سیاست و اجتماع، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۷(۱)، ۷-۳۵.
- خواجه سروی، غلامرضا(۱۳۸۶)، فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران، دانش سیاسی، شماره ۶، ۵-۳۶.
- روحانی، حسن(۱۳۸۹). امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران.
- روزنامه دنیای اقتصادی، ۱۳۸۷/۰۶/۲۳، شماره ۱۶۱۷، صفحه ۸ سیاسی.
- روزنامه دنیای اقتصاد (۱۳۹۵/۲/۱۱). بدترین رخداد های اقتصادی در دولت احمدی نژاد، کد خبر: ۱۰۱۹۴۰۷.
- رحیمی، علیرضا و محمود کتابی(۱۳۹۳). گفتمان امنیتی دولت های نهم و دهم به مثابه گفتمان قبض و بسط انقلابی جدید، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۷(۴).
- رضایی جعفری(۱۳۹۵)، گفتمان انقلاب اسلامی ایران و الزامات اشاعه ارزش های آن در عصر جهانی شدن بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۶، شماره ۲۰، صص ۸۵-۱۱۰.
- سایت تابناک، (۱۳۹۲/۴/۱۶). روحانی: دولت یازدهم از اقتصاد دستوری دست برمی دارد. <https://www.tabnak.ir/fa/news/330192>
- سایت مشرق نیوز: ۶/۹، دولت فاقد استراتژی اقتصادی است/ کابینه روحانی مجمع بوروکرات های بی انگیزه(۱۳۹۷) <https://www.mashreghnews.ir/news/888686>
- سالارکسرابی، محمد و علی پوزش شیرازی(۱۳۸۸). نظریه گفتمان لاکلا و موف کارآمد در فهم و تبیین پدیده های سیاسی، فصلنامه سیاست، ۳۹(۳):۳۳۹-۳۶۰.
- سلطانی، سید علی اصغر(۱۳۸۳). قدرت، گفتمان و زبان: ساز و کار جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر نی.

- صالحی زاده، عبدالهادی (۱۳۹۰). درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو؛ روش های تحقیق کیفی، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، ۲(۳): ۱۱۳-۱۴۱.
- فیروزآبادی، سید جلال، علوی، سید محمدعلی (۱۳۹۵)، بررسی روند امنیتی سازی فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی ایران توسط لابی طرفدار اسرائیل در آمریکا از منظر مکتب کپنهاگ، پژوهش های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۷.
- قریشی، فردین، محمدباقر علیزاده اقدام و رحیم زایرکعبه (۱۳۹۶). تحول گفتمان عدالت در ایران: مطالعه موردی دولت های محمود احمدی نژاد و حسن روحانی، دو فصلنامه جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ۱۸۰-۱۴۳.
- سایت خبرآنلاین (۱۳۹۳/۱۲/۹). همه اختلاس های کلان و معروف دهه ۹۰، کد خبر: ۴۷۲۳۷.
- کوهیار، نازنین، (۹۳/۱۲/۲۶). بزرگترین پرونده های تخلف مالی در ایران، سایت خبری شفاف، کد خبر: <http://www.shafaf.ir/fa/news/315808>
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان، تهران، نشر نی.
- نوذری، حمزه، کریمی، علیرضا (۱۳۹۱)، بررسی معنا و مفهوم توسعه پس از انقلاب اسلامی از منظر تحلیل گفتمان، مطالعات جامعه شناختی، دوره ۱۹، شماره ۱، ۷۸-۵۷.
- نش، کیت (۱۳۸۴). جامعه شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمد تقی دل افروز، کویر.
- مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰)، نظریه تحلیل گفتمان لاک و موف و نقد آن، معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۲، ۹۱-۱۲۴.
- Schiffrin, D. (1994) approaches to discourse, oxford and Cambridge: blackwell.
- Laclau, E, Mouffe, C. (1985). Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics. London: Verso. P 111
- <http://www.bartarinha.ir/fa/news/742670> (۱۶ تیر ۱۳۹۷)
- خبرگزاری ایسنا، مقایسه درآمدهای نفتی دولت روحانی و احمدی نژاد <https://www.isna.ir/news/2110003> (۲۱ آبان ۱۳۹۷)